

مسئله علیت در نظریه‌های روابط بین‌الملل^۱

سید جلال دهقانی فیروزآبادی*

مجید دشتگرد^۲

چکیده

مسئله علیت و بحث امکان یا عدم امکان تبیین علی سیاست بین‌الملل یکی از مهم‌ترین موضوعات فرانظری در حوزه روابط بین‌الملل است که توجه بسیاری از اندیشمندان و مکاتب نظری این رشته را به خود جلب نموده است. در این پژوهش تلاش داریم تا یک شمای کلی را از مجادله و مباحثه نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل در رابطه با مسئله علیت ترسیم نماییم و نشان دهیم که در حوزه نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل به‌طور کلی چه طیفی از نگرش‌ها و رویکردها در این رابطه شکل گرفته است. بدین منظور ما ابتدا یک چارچوب کلی را از مباحث فرانظری روابط بین‌الملل ارائه داده‌ایم سپس نظریه‌های مختلف را در این قالب جای داده و نگرش آن‌ها را پیرامون مسئله علیت تشریح نموده‌ایم. این چارچوب کلان شامل سه طیف پوزیتیویسم، پست پوزیتیویسم و آنتی پوزیتیویسم می‌باشد. پوزیتیویسم نگرش‌های جریان اصلی را در برمی‌گیرد که مبتنی بر هستی‌شناسی واقع‌گرا و معرفت‌شناسی مبناگرایانه است، پست پوزیتیویسم شامل رویکردهای میانه است و آنتی پوزیتیویسم به نگرش‌های رادیکال و پست مدرن اشاره دارد که در تقابل کامل با پوزیتیویسم قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: علیت، مباحث فرانظری، نظریه‌های روابط بین‌الملل



فصلنامه

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل،
دوره نهم، شماره
اول، شماره پیاپی
سی و یکم
بهار ۱۳۹۸

۱۰۱

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری تحت عنوان "تأثیر مباحث فرانظری بر تحول نظریه‌های روابط بین‌الملل" با راهنمایی دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی و مشاوره دکتر اصغر کیوان حسینی و دکتر حسین سلیمی می‌باشد.

۲. استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی * jdeghani20@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۱۱

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و یکم، صص ۱۰۱-۱۲۲

بحث‌های فلسفی و فرانظری^۱ یکی از مهم‌ترین حوزه‌های موضوعی مورد مجادله در رشته روابط بین‌الملل بوده که در سال‌های اخیر مورد توجه بیشتری نیز واقع گردیده است. سلطه رویکرد اثبات‌گرایی^۲ بر رشته روابط بین‌الملل و اعتقاد به وحدت علوم و تبعیت همه علوم اجتماعی از روش‌های تجربی یکی از موانع اساسی شکل‌گیری چنین مباحثی در گذشته بود که منجر شد نظریه‌پردازان منتقد و مخالف بر این استدلال اتفاق نظر حاصل نمایند که شیوه اصلی ابراز وجود و ارائه دیدگاه‌های مخالف ورود به مسیر فرانظری و فلسفی است. لذا در دهه ۱۹۸۰ این استدلال زمینه‌ساز مناظره جدیدی در روابط بین‌الملل شد که مباحث مربوط به فلسفه علم اساس آن را تشکیل می‌داد. از جمله موضوعاتی که در این دوران مورد توجه ویژه نظریه‌پردازان قرار گرفت نیز بحث علیت^۳ و امکان تبیین علی^۴ سیاست بین‌الملل بود که نئورئالیست‌ها و همچنین نهادگرایان نئولیبرال^۵ آن را به مرکز ثقل هدف نظریه‌پردازی خود تبدیل کرده بودند. رویکردهای انتقادی^۶ در قالب این مناظره‌ی بزرگ دیدگاه‌های مختلفی را پیرامون تبیین‌های علی در روابط بین‌الملل ارائه دادند که طیف وسیعی از رهیافت‌های میانه تا ضد اثبات‌گرایی را شامل می‌شود. با توجه به اهمیت این مسئله در حوزه فلسفه علم روابط بین‌الملل، تلاش اصلی این پژوهش این است که دیدگاه‌های مذکور را مورد بررسی قرار داده و خط سیر فکری آن‌ها را پیرامون مسئله علیت واکاوی نماید. به منظور نشان دادن این واقعیت ما یک طیف و چارچوب کلان^۳ و جهی را از مباحث فرانظری روابط بین‌الملل ارائه داده‌ایم و سپس نظریه‌های روابط بین‌الملل را در قالب آن جای داده و نگرش هر یک از آن‌ها را پیرامون مسئله علیت بررسی نموده‌ایم. این^۳ طیف کلان فرانظری شامل اثبات‌گرایی، پسااثبات‌گرایی^۷ و همچنین ضد اثباتی‌گرایی^۸ است و

-
1. Meta-theoretical
 2. Positivism
 3. causality
 4. Causal explanation
 5. Neoliberal Institutionalists
 6. Critical Approaches
 7. Post-positivism
 8. Anti-positivism

نظریه‌های مرتبط با آن نیز شامل رئالیسم، نئورئالیسم^۱ و رئالیسم نئوکلاسیک^۲ در طیف اثبات‌گرایی، سازه‌انگاری، نظریه انتقادی^۳ و مکتب انگلیسی^۴ در جناح پسااثبات‌گرایی و پست‌مدرنیسم^۵ در بخش ضد اثبات‌گرایی می‌باشد. معمولاً دو اصطلاح پست‌پوزیتیویسم و ضد پوزیتیویسم با معانی مشترک و به‌منظور خطاب قرار دادن رویکردهای بازاندیشی در روابط بین‌الملل به کار برده می‌شوند اما نویسندگان در این پژوهش بین این دو اصطلاح تفکیک قائل شده و تعاریف متفاوتی را از این دو مفهوم ارائه داده‌اند. براین اساس پست‌پوزیتیویسم به جریان‌های میانه و رویکردهایی اشاره دارد که ضمن نقد اثبات‌گرایی، کاملاً در تعارض با آن قرار نمی‌گیرد. در واقع فرا اثبات‌گرایی ضمن قبول واقعیت مستقل از ذهن، در حوزه معرفت‌شناسی نیز حداقل مبنایی را برای صدق و کذب قضایا می‌پذیرد. اگرچه برخلاف اثبات‌گرایی واقعیت و معرفت را به مبنای عینی و بیرونی محض فرو نمی‌کاهد. آنتی پوزیتیویسم نیز به رویکرد پسا ساختارگرایانه و رادیکال اشاره دارد که در تعارض کامل با رویکرد اثبات‌گرایی است و ضمن رد واقعیت مستقل از ذهن، هیچ مبنای مطلق را برای قضاوت پیرامون دعاوی شناختی قائل نیست. چارچوب‌بندی این مقاله شامل بررسی اجمالی علیت در فلسفه علوم اجتماعی و پس از آن تشریح این مسئله در نظریه‌های روابط بین‌الملل می‌باشد.

مسئله علیت در فلسفه علوم اجتماعی

مسئله علیت یکی از بحث‌برانگیزترین مباحث فلسفی است که به حوزه هستی‌شناسی^۶ مربوط می‌شود و به نوع و ماهیت ارتباط بین پدیده‌های عالم اشاره دارد. علیت مشمول ارتباط بین دو مؤلفه علت و معلول است که در آن علت عنصر تأثیرگذار و معلول عنصر تأثیرپذیر می‌باشد. علیت در حوزه علوم طبیعی به ارتباط و تأثیر اشیاء و وجودهای فاقد

1. Realism
2. Neo- Realism
3. Neoclassical realism
4. Constructivism
5. Critical theory
6. English school
7. postmodernism
8. Ontology

شعور اشاره دارد و در حوزه علوم اجتماعی نیز پدیده‌های انسانی و هستی واجد ادراک را مورد توجه قرار می‌دهد. ریشه شکل‌گیری تفکرات مربوط به علت به دوران یونان باستان و فلاسفه قبل از سقراط برمی‌گردد. در آن زمان این متفکرین چنین دیدگاه‌هایی را در قالب اندیشه‌های نیمه مذهبی و خرافاتی خود می‌پروراندند. آن‌ها به تحقیق در مورد نیروهایی که امکان ایجاد و تغییر چیزها را فراهم می‌ساخت می‌پرداختند و در رابطه با نیرو و سرمنشأ اولیه ایجاد و تحول وجود و هستی طبیعت به آرچه (منشأ هستی) ارجاع می‌دادند. در دوران بعدی افلاطون اندیشه ماتریالیستی ماهیت و منشأ وجود که مورد توجه این متفکرین بود را رد کرد و در عوض بر جنبه ایده‌ای علت تأکید نمود. در واقع افلاطون یک نگرش ایده‌آلیستی و معنا محور را از بحث علیت ارائه داد. پس از او نیز ارسطو بود که هر دو دیدگاه مادی و ایده‌ای را ترکیب کرد و آن را در قالب علل ۴ گانه ارائه داد. (Kurki, 2008: 25-27) هم‌زمان با رشد فلسفه طبیعی در دوران جدید، نگرش تجربی نسبت به مسئله علیت نیز بسط یافت که تلاش هیوم^۲ نمونه‌ای از چنین نگرش‌هایی محسوب می‌گردد. در این دوران هیوم یک دیدگاه کاملاً تجربی را از بحث علیت ارائه داد و معتقد بود که صرفاً در این چارچوب است که مسئله علیت قابل درک می‌گردد. او معتقد بود که علت به لحاظ منطقی ایجادکننده معلول نیست بلکه ایده علیت از روابط تجربی نزدیک، توالی زمانی و پیوستگی ثابت نشئت می‌گیرد؛ یعنی زمانی که اشیاء تجربی در هم‌جواری زمانی و مکانی هستند و وقتی که یکی از دیگری تبعیت می‌کند و هنگامی که آن‌ها همیشه باهم ظاهر می‌شوند. (Mooney Marini, Singer, 1988: 350-351) نگرش هیوم در مورد علت و معلول به حوزه معرفت‌شناسی^۳ نیز کشیده شد و او معتقد بود که همه استدلال‌های دانش ما در مورد جهان تجربی بر روابط علت و معلولی استوار گشته‌اند. (Chernoff, 2007: 127) آگوست کنت^۴ روش هیوم را در حوزه علوم اجتماعی با نام جامعه‌شناسی اثباتی^۵

1. Arche
2. David Hume
3. Epistemology
4. Auguste Comte
5. Positive sociology

پرورش داد و پوزیتیویست‌های منطقی‌انیز در دهه ۱۹۲۰ تلاش دانش جهت کشف روابط علی تجربی را بسط داده و علوم اجتماعی جدید نیز که تحت‌الشعاع آن قرار داشت، کشف روابط علی را به‌عنوان وظیفه اصلی نظریه و دانش اجتماعی پذیرفت. لذا برای پوزیتیویست‌ها یا کسانی که به رویکرد علمی معتقد بودند، نظریه مشمول تبیین^۲ بود. از نظر آن‌ها تئوری از توصیف صرف پدیده‌های مشاهده‌شده فراتر می‌رود و به تبیین علی آن‌ها بر مبنای موقعیت‌ها و وقایع پیشینی مشخص می‌پردازد. (R. Viotti, V. Kauppi, 2012:6) نگاه خاص اثبات‌گرایان نسبت به بحث علیت و دانش مبتنی بر کشف قوانین علی به‌شدت موردانتقاد رویکردهای فلسفی و اجتماعی رقیب قرار گرفت. رئالیسم علمی^۳ در حوزه فلسفه علم و هرمنوتیک، مکتب انتقادی و پست‌مدرنیسم از مهم‌ترین مکاتب فکری محسوب می‌گردند که مسئله علیت تجربی و تقلیل علم به کشف روابط علی را به چالش کشیدند. واقع‌گرایی علمی مبتنی بر این نگرش است که وجودهای نظری علم دارای هستی واقعی هستند و اتم‌ها، نیروها، میدان‌های الکترومغناطیس صرفاً ابزار سازمان‌دهی داده‌های قابل مشاهده نیستند بلکه آن‌ها دارای تأثیرات واقعی و علی هستند. (Neuber, 2014: p249) رئالیسم انتقادی نیز نسخه جایگزینی را از جهان اجتماعی ارائه می‌دهد که متمایز، چندلایه و ساخت‌یافته بوده و بر اساس آن نیروها و موقعیت‌های علی غیر قابل مشاهده و زیرین معلول‌های پیچیده‌ای را تولید می‌کند. (R.C. Humphreys, 2016:3) اما پست‌مدرن‌ها یک گام فراتر رفته و وجود هرگونه رابطه علی بین پدیده‌ها را رد می‌کنند و تعهد علم به کشف روابط علی بین پدیده‌های اجتماعی را نمی‌پذیرند. لیوتار^۴ ایده علیت را یک فرا روایت مدرنیسم از قوانین می‌داند و فوکو^۵ نیز زندگی اجتماعی را مبتنی بر مجموعه پیچیده‌ای از کنش‌های گفتمانی و رویه‌ها و عملکردهایی می‌داند که دارای روابط علی یک‌سویه نیستند.

-
1. Logical positivists
 2. explanation
 3. scientific realism
 4. Critical Realism
 5. Jean-François Lyotard
 6. Michel Foucault

(Kurki,2008:80-81) در ادامه بحث به بررسی مسئله علیت و تبیین علی در نظریه‌های روابط بین‌الملل می‌پردازیم.

علیت و تبیین علی در نظریه‌های روابط بین‌الملل

متناسب با نگرش‌های مختلفی که در حوزه فلسفه علوم اجتماعی پیرامون مسئله علیت شکل گرفته است، نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل نیز دیدگاه‌های متفاوتی را از امکان تبیین علی سیاست بین‌الملل ارائه داده‌اند. رشته روابط بین‌الملل از همان ابتدا با هدف علت‌یابی ریشه‌های شکل‌گیری جنگ و نزاع بین‌المللی در ایالات متحده شکل گرفت و لذا از زمان آغاز به کار این رشته، مفهوم علت به بحث مرکزی آن تبدیل گشت. (Kahler,1998:924) مسئله علت‌یابی و تبیین علی روابط بین‌الملل پس از وقوع انقلاب رفتاری^۱ به‌عنوان مبنایی برای هرگونه تفکر و دانش پیرامون نظام بین‌الملل شناخته شد و نظریه‌های منبعث از این نگرش، تبیین علمی روابط بین‌الملل را مهم‌ترین وظیفه علم در نظر می‌گرفت و آن را راهگشای مشکلات واقعی سیاست بین‌الملل معرفی می‌کرد. تبیین علمی از این منظر نیز اساساً کشف روابط علی پدیده‌های اجتماعی بود؛ اما پس از شکل‌گیری مناظره سوم، نظریه‌پردازان انتقادی به‌شدت به نگرش علت‌کاو رفتارگرایان تاختند و چنین رویکردی را مربوط به نوع خاصی از دانش دانستند که بر تجربه و مشاهده استوار است. رویکردهای انتقادی رقیب یک نگرش معناکاو را در برابر تبیین علی رفتارگرایان ارائه دادند که بر جنبه بیناذهانی^۲ و غیر قابل مشاهده واقعیت تأکید داشت. رابرت کوهن^۳ این رویکردهای رقیب را بازنمایشی^۴ می‌دانست که در برابر خردگرایی^۵ نئورئالیسم و نئولیبرالیسم موضع‌گیری کرده بودند. (Wight,2002:54) این واکنش‌ها دقیقاً شبیه همان موضع‌گیری‌هایی بود که نگرش‌های رقیب در حوزه فلسفه علوم اجتماعی علیه اثبات‌گرایان انجام داده بودند. به‌عنوان مثال الکساندر ونت^۶ در

1. behavioral revolution
2. Inter-subjectives
3. Robert Keohane
4. Reflectivists
5. Rationalism
6. Alexander Wendt

قالب رئالیسم علمی بر نوعی از علیت تأکید کرد که جنبه غیر قابل مشاهده را نیز در برمی‌گرفت و عدم ضرورت ارتباط علی (هیوم بر خلاف برخی از فلاسفه ارتباط ضروری بین علت و معلول را نمی‌پذیرد) که مورد توجه هیوم بود را نیز به چالش می‌کشید. یا این که پساساختارگرایان نیز تحت تأثیر فوکو، دریدا و لیوتار هرگونه پروژه علت کاو را رد کردند و بر ضرورت نگرش "گفتمانی" و "بینامتنی"^۳ به روابط بین‌الملل تأکید ورزیدند. به‌طور کلی دیدگاه‌های شکل گرفته در حوزه روابط بین‌الملل در مورد علیت و تبیین علی را می‌توان در ۳ طیف فرانظری کلان تقسیم‌بندی نمود. نئورئالیست‌ها و نهادگرایان لیبرال که تحت عنوان نظریه پردازان جریان اصلی از آن‌ها یاد می‌شود اساساً نوعی از مفهوم علیت را می‌پذیرند که توسط فلسفه طبیعی مورد توجه قرار گرفته و به وسیله اثبات‌گرایان بسط داده شده است. سازه‌انگاری، مکتب انگلیسی و رویکرد انتقادی ضمن رد نگاه اثبات‌گرایانه به علیت، نوع متفاوتی از آن را مورد توجه قرار داده‌اند که بر مبانی ایده‌ای و غیر قابل مشاهده استوار است و تأثیر علی لایه‌های زیرین واقعیت اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد. این نظریه‌ها در طیف فرانظریه‌های پسااثباتی قرار می‌گیرند که بیشتر به دنبال اصلاح نگرش پوزیتیویستی هستند و آن را به‌طور کامل رد نمی‌کنند. در نهایت پساساختارگرایان در جناح ضد اثباتی قرار می‌گیرند که یک موضع کاملاً رادیکال و ضد پوزیتیویستی را از دانش اجتماعی و تبیین علی ارائه می‌دهند. شکل زیر ۳ طیف اصلی شکل گرفته پیرامون مسئله علیت را در حوزه نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل به تصویر می‌کشد.

-
1. Jacques Derrida
 2. discursive
 3. Intertextual

طیف‌های کلان فرانتزری	نظریه‌های مرتبط	موضوع‌گیری نسبت به مسئله علیت و تبیین علی
۱. اثبات‌گرایی	نئورئالیسم نئولیبرالیسم رنالیسم نوکلاسیک	وجود مکانیسم‌های علی در پدیده‌های اجتماعی و امکان تبیین علی روابط بین‌الملل
۲. پس‌اثبات‌گرایی	سازه‌انگاری نظریه انتقادی مکتب انگلیسی	جنبه انگاره‌ای و غیر قابل مشاهده مکانیسم‌های علی
۳. ضد اثبات‌گرایی	پست‌مدرنیسم/پساساختارگرایی	رد وجود مکانیسم‌های علی و عدم امکان تبیین علی روابط بین‌الملل

شکل ۱- طیف‌های فرانتزری پیرامون مسئله علیت در روابط بین‌الملل
اثبات‌گرایی (نئورئالیسم/نئولیبرالیسم/رنالیسم نوکلاسیک)

نئورئالیست‌ها و نهادگرایان نئولیبرال رفتارهای اجتماعی و کنش‌های بین‌المللی را مبتنی بر مجموعه‌ای از مکانیسم‌های علی می‌دانند و معتقدند که کشف این مکانیسم‌ها در تعیین ماهیت و نوع عملکرد بازیگران نظام نقش بنیادینی ایفا می‌کند. آن‌ها تأکید می‌کنند که کنش بازیگران بین‌المللی اساساً از قاعده علیت تبعیت می‌کند و هر نوع رفتار بین‌المللی بیرونی از یک متغیر یا متغیرهای تأثیرگذار مشخص نشئت می‌گیرد. از نظر اثبات‌گرایان جهان هستی قطعی و متعین است و بر اساس قوانین علت و معلولی عمل می‌کند که اگر ما رهیافت‌های منحصر به فرد علمی را به کار ببریم می‌توانیم این قوانین را شناسایی کنیم. لذا علم به‌عنوان راهی برای رسیدن به حقیقت شناخته می‌شود تا جهان را

به اندازه کافی درک کرده و بتواند آن را پیش‌بینی و کنترل کند. (Griffiths, 2007:6)

براین اساس مهم‌ترین تعهد علمی اندیشمندان روابط بین‌الملل نیز این است که از طریق کشف مکانیسم‌های علی زمینه را برای فهم و پیش‌بینی رفتارهای بین‌المللی فراهم سازند و شناخت درست و نظریه مناسب روابط بین‌الملل نیز می‌بایست در این راستا گام بردارد. جان مرشایمر^۱ و استفن والت^۲ در رابطه با ضرورت به‌کارگیری چنین رویکردی جهت شناخت محیط بین‌المللی بیان می‌دارند که "ما به تئوری‌ها جهت کشف مکانیسم‌های علی که تبیین‌کننده رفتارهای تکرارپذیر و چگونگی ارتباط بین آن‌ها هستند نیازمندیم." (J. Mearsheimer, M. Walt, 2013:2003) کنت والتز^۳ نخستین اندیشمندی بود که چنین تفکری را در قالب نظریه‌پردازی ساختاری خود برای نئورئالیست‌ها بنا نهاد. والتز تلاش کرد تا دلایل رفتاری بازیگران بین‌المللی را در قالب متغیر مستقلی به نام ساختار جست‌وجو نماید و نشان دهد که چگونه ساختار بین‌المللی به کنش‌های خاص رفتاری شکل می‌دهد. در واقع چنانچه خود والتز اظهار می‌دارد "نئورئالیسم روابط علی بین کنش متقابل واحدها و نتایج و خروجی‌های بین‌المللی را مورد بازبینی قرار داد که نتیجه چنین بازبینی‌ای این بود که از نظر نئورئالیست‌ها دلایل نتایج بین‌المللی در سطح ساختار قرار دارند نه در سطح واحد آن‌گونه که رئالیست‌های کلاسیک^۴ به آن اعتقاد داشتند." (Waltz, 1990:32-34) رئالیست‌های نئوکلاسیک نیز تقلای نظریه جهت کشف مکانیسم‌های علی را مورد تأیید قرار می‌دهند. جفری تالیا فرو^۵، نارین ریپسمن^۶ و استیون لابل^۷ در پژوهشی که پیرامون مبانی رئالیسم نوکلاسیک انجام داده‌اند، معرفت‌شناسی خود را "پوزیتیویسم نرم یا معتدل"^۸ معرفی کرده‌اند. آن‌ها در رابطه با اهمیت توجه به تبیین علی سیاست بین‌الملل بیان می‌دارند که "ما استدلال می‌کنیم که محققان می‌توانند استنتاج‌های علی محتمل را در مورد پدیده‌های قابل مشاهده

1. John Mearsheimer
2. Stephen Walt
3. Kenneth Waltz
4. Classical Realists
5. Jeffrey W. Taliaferro
6. Norrin M. Ripsman
7. Steven E. Lobell
8. soft positivism

ایجاد نمایند. پدیده‌هایی که می‌تواند از طریق مطالعات مورد بررسی و تفحص قرار گیرند. " (M. Ripsman, W. Taliaferro, E. Lobell, 2016:22) آن‌ها نیز همچون ساختارگرایان، اولویت تأثیر علی متغیرهای سیستمی را می‌پذیرند اما در کنار آن نقش متغیرهای مداخله‌گر سطح واحد را نیز در شکل‌دهی به خروجی‌های بین‌المللی اضافه می‌کنند. در واقع در نگرش علی‌گرایانه نئوکلاسیک‌ها ۳ متغیر اصلی دخیل هستند که شامل متغیر مستقل، وابسته و مداخله‌گر است که در نظر گرفتن این متغیرها در سطوح مختلف تحلیل به معنی توجه آن‌ها به مکانیسم‌های علی است. (M. Ripsman, W. Taliaferro, E. Lobell, 2016:170-171) نهادگرایان لیبرال که بسیاری از مفروضات بنیادین نئورئالیست‌ها را پذیرا هستند نیز کشف روابط علی و قواعد رفتاری را در نظام بین‌الملل مورد توجه قرار داده‌اند. کوهن در این زمینه اظهار می‌دارد که نهادگرایان لیبرال معتقدند که یک واقعیت سیاسی بین‌المللی قابل شناخت وجود دارد و آن‌ها نیز مانند نئورئالیست‌ها به دنبال این هستند که قاعده‌مندی‌های رفتاری را از طریق بررسی ماهیت سیستم بین‌المللی که فاقد حکومت مرکزی است تبیین نمایند. (Keohane, 2011:160) تنها تفاوت اساسی در این زمینه این است که آن‌ها مؤلفه علی فرآیند را نیز در کنار توانمندی‌های ساختاری به‌عنوان یکی از ابعاد مهم سیستم بین‌المللی مدنظر قرار می‌دهند. جوزف نای در این زمینه توضیح می‌دهد که نظام مبتنی بر دو بعد است: یکی بعد ساختار که مربوط به توزیع توانمندی‌ها در بین واحدهای نظام است و دیگری فرآیند که به شیوه‌هایی اشاره دارد که در آن واحدهای نظام باهم تعامل برقرار می‌کنند. فرآیندها در کنار ساختار می‌توانند بر گزینه‌های پیش روی دولت‌ها تأثیرگذار باشند و محاسبات مربوط به منافع ملی را تغییر دهند. (نای، ۱۳۸۷: ۶۲-۶۱) پسااثبات‌گرایی (سازه‌انگاری/نظریه انتقادی/مکتب انگلیسی)

سازه‌انگاری

سازه‌انگاری مسئله‌علیت را می‌پذیرد اما مفهومی را از آن ارائه می‌دهد که با هستی‌شناسی تفسیری و بینادهنی همخوانی بیشتری دارد. سازه‌انگاران معتقدند که

1. Joseph Nye
2. Interpreted

نمی‌توانند مفهوم مکانیکی پوزیتیویستی از علیت را بپذیرند چراکه پوزیتیویست‌ها به دنبال بررسی محتوای بین‌ذهنی وقایع نیستند اما سازه‌انگاران مطابق دیدگاه ماکس وبر^۱ معتقدند که تحلیل کنش‌های اجتماعی مستلزم به‌کارگیری فهم تفسیری است. (Jackson, Sorensen, 2013:166) کراتوچویل^۲ این فرض خردگرایانه که قواعد می‌توانند بر اساس رهیافت‌های قاعده‌پذیر بشری مورد توجه واقع شوند را رد می‌کند و معتقد است که این مفهوم نامناسبی از علیت است که به تئوری‌های جریان اصلی مرتبط بوده که مبتنی بر تحلیل سیستمی بسته، مشاهده‌پذیر و قاعده‌مند از علیت است. (Kurki, 2008:135-136) براین اساس سازه‌انگاران به مفهومی از علیت توجه دارند که نقش مؤلفه‌های انگاره‌ای و مشاهده‌ناپذیر را نیز در نظر بگیرد. جان راگی^۳ در این زمینه اساساً به "علیت ایده‌ای"^۴ اشاره می‌کند (Kurki, 2008:135-136) و چکل^۵ نیز تصدیق می‌نماید که سازه‌انگاری برخلاف نئورئالیسم و نئولیبالیسم که هنجارها را فاقد نیروی علی می‌دانند و یا حداقل آن را روبینایی از مبانی مادی در نظر می‌گیرند، اعتقاد دارد که هنجارها نوعی خرد جمعی‌اند که دعاوی رفتاری بازیگران را شکل داده و منافع و هویت آن‌ها را ایجاد می‌کنند و به‌عنوان یک متغیر تبیینی، از یک حالت مداخله‌گر خارج شده و به‌عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شوند. (T. Checkel, 1998:327) ونت به منظور ارائه مدل تفسیری از علیت به رئالیسم علمی رجوع می‌کند که مدل هیومی علیت را به چالش می‌کشد. طبق تشریح ونت، رابطه علی در مدل هیومی عبارت است از پیوستگی ثابت و دائمی وقایع قابل مشاهده متوالی زمانی که با ضرورت منطقی قواعد و شرایط اولیه مسلم ارتباط دارد. ونت معتقد است که رئالیسم علمی این مدل را به دلیل تعمیم بخشی و همچنین وجود پیوندهای ثابت مورد نقد قرار می‌دهد و در عوض بر ضرورت شناسایی مکانیسم‌های علی زیرین که رویدادها را به لحاظ طبیعی ضروری می‌سازد، تأکید می‌ورزد. طبق بیان ونت، در این زمینه

1. Max Weber
2. Friedrich Kratochwil
3. John Ruggie
4. Ideational causation
5. Jeffrey T Chekel

اختلاف بر سر حقانیت استنتاج به بهترین تبیین است که بر اساس آن رئالیست‌های علمی استدلال می‌کنند که اگر ما بتوانیم وضعیت‌های مادی و فیزیکی و قدرت علی وجودهای غیر قابل مشاهده را تبیین کنیم، می‌توانیم یک استنتاج به بهترین تبیین برحق را در مورد وجود روابط طبیعی ضروری بین علت و معلول ایجاد کنیم؛ بنابراین درحالی‌که تبیین تجربه‌گرایان مبتنی بر تعمیم رفتارهای قابل مشاهده است، رئالیست‌ها تبیین خود را بر این مبنا قرار می‌دهند که چگونه مکانیسم‌های علی که اغلب مشاهده ناپذیرند و قاعده‌مندی‌های مشاهده‌پذیر را ایجاد می‌کنند، عمل می‌کنند که در این قالب سؤال مربوط به چرایی مستلزم پاسخ به سؤال‌های چرایی و چگونگی نیز می‌باشد. (Wendt, 1987:353-354) این نگرش راه را برای در نظر گرفتن مکانیسم‌های علی انگاره‌ای و ایده‌ای غیر قابل مشاهده که هسته مرکزی نگرش سازه‌انگاری را تشکیل می‌دهد باز می‌گذارد و مسئله تکوین^۲ و تفسیر را در کنار تبیین حائز اهمیت می‌گرداند. لینچ^۳ و کلاتز^۴ در رابطه با توجه سازه‌انگاران به جنبه هم تکمیلی تکوین و تبیین و به هم تنیده شدن این دو مؤلفه بیان می‌دارند که: "نشانه‌های جدایی بین تبیین و تکوین چندان دقیق و مشخص نیست چراکه زبان "علیت" بسیار سیال است. جدایی بین سؤالات تکوینی "چگونه امکان‌پذیر می‌شود" از سؤالات "چرایی" علی، تمیز مشکل‌ساز بین تبیین و فهم را منعکس می‌سازد. مطالعات علی به بحث در مورد تبیین رفتار تمایل دارند درحالی‌که مطالعات تکوینی به فهم موقعیت عمل و کنش می‌پردازند. قطعاً اصطلاحات قابل‌معاوضه نیستند اما در عمل اشتراکات قابل‌توجهی بین آنها وجود دارد. آن‌کسانی که از تبیین رفتار سخن می‌گویند، تفسیر معنا نیز می‌کنند و آن‌کسانی که بر فهم زبان تمرکز می‌کنند نیز تا حدودی به تبیین یک کنش می‌پردازند. بر این اساس سازه‌انگاران نباید از امکان پاسخ علی به سؤالات هنجاری و یا برعکس آن ممانعت به عمل آورند. (Lynch, Klotz, 2007:15)

-
1. Abductive inference
 2. Constitute
 3. Cecelia M Lynch
 4. Audie Klotz
 5. How possible?
 6. Why?

نظریه انتقادی

نظریه انتقادی وجود روابط علی را در هستی اجتماعی می‌پذیرد و معتقد است که امکان تبیین رفتار انسانی بر اساس روابط علی وجود دارد اما باین حال این نوع تبیین صرفاً در چارچوب و زمینه‌های تاریخی و اجتماعی و در بستر زمانی و مکانی خاص آن امکان‌پذیر است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۰۲) لذا این رویکرد نیز از نگرش خاص اثبات‌گرایی نسبت به مفهوم علیت که مبتنی بر روابط مشاهده‌پذیر، ثابت و دائمی بین علت و معلول است فراتر رفته و مؤلفه‌های هنجاری و معنایی را در شکل‌دهی به رفتارها و نمودهای بشری مورد توجه قرار می‌دهد. کاکس^۱ در این زمینه استدلال می‌کند که مفهوم علت مناسب چارچوب‌های پوزیتیویستی است و تبیین علی برای چارچوب تاریخی او مناسب نیست به خاطر اینکه رهیافت تاریخی فرض قاعده‌مندی و دیگر فرضیات پوزیتیویستی را نمی‌پذیرد. (Kurki, 2008: 131) در واقع از آنجایی که نظریه انتقادی با رد "دو انگاری"^۲ عین و ذهن، واقعیت‌های اجتماعی را ترکیبی از هر دو مؤلفه می‌داند، روابط علی را نیز از هر دو مؤلفه عینی و ذهنی استخراج می‌کند. نظریه انتقادی این نگرش را از بازسازی مفهوم ماتریالیسم تاریخی^۳ کسب نموده است. استفن گیل^۴ در این رابطه بیان می‌دارد که تئوری ماتریالیسم تاریخی از دانش، مبتنی بر این فرض است که هیچ چیزی خارج از جامعه و طبیعت وجود ندارد و لذا نگرش‌های متافیزیکی و تفکرات ایده آلیستی نیز بخشی از واقعیت اجتماعی هستند که می‌بایست تبیین شوند چراکه به ایجاد چشم‌اندازهای اجتماعی و قابلیت‌ها و انگیزه‌های فردی کمک می‌کنند. براین اساس است که گیل تأکید می‌کند که در تلاش است در قالب رهیافت ماتریالیسم تاریخی از تئوری‌های متصلب نسبت به علیت فراتر رود و یک نگرش بازانديشانه و پویا از تبیین اقتصاد سیاسی را ارائه دهد. از منظر او مفهوم علیت مکانیکی در تناقض با تاریخ‌گرایی است چراکه تاریخ‌گرایی بیشتر به تفسیر مربوط می‌شود تا به علیت و نگرش تاریخ‌گرایانه نگاه صرفاً اقتصادی و تکنولوژیکی و یا هرگونه نگاه تقلیل‌گرایانه^۵ را رد

۱۱۳

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

مسئله علیت در
نظریه‌های روابط
بین‌الملل

1. Robert W. Cox
2. Dualism
3. Historical materialism
4. Stephen Gill
5. Reductionism

می‌کند. تبیین در این زمینه مبتنی بر ارتباط نیروهای اجتماعی عینی و ذهنی در تحول تاریخی است. به‌عنوان مثال سازمان اجتماعی تولید یا روابط طبقاتی در دولت، جایی است که ذهن و عین باهم درگیر می‌شوند. (Gill, 1993: 26-27) بنابراین در نظریه انتقادی علیت صرفاً به جنبه‌های قابل مشاهده و مادی گرایانه تقلیل نمی‌یابد و مکانیسم‌های علی زیرین نیز مورد توجه واقع می‌شوند و همان‌گونه که واقعیت از مؤلفه‌های عینی و انگاره‌ای حاصل می‌شود روابط علی نیز مبتنی بر هر دو مؤلفه عینی و انگاره‌ای است. این مسئله زمینه‌ساز توجه نظریه انتقادی به رهیافت تفسیری و فراتر رفتن آن از ماهیت صرفاً تبیینی نظریه بوده است. گیل معتقد است که بین علوم اجتماعی و علوم طبیعی از منظر شکل و منطق تبیین و تحقیق تقارنی وجود ندارد و از لحاظ منطقی نیز نمی‌تواند یک زبان واحد از تبیین علمی بین آن‌ها وجود داشته باشد. از نظر او تفاوتی اساسی بین علوم طبیعی و علوم اجتماعی وجود دارد که این تفاوت مربوط به این است که ساختار روابط اجتماعی و معانی وقایع اجتماعی کارویژه تئوری اندیشمندان علوم طبیعی نیست و آنچه اندیشمندان علوم اجتماعی با آن مواجه هستند واقعیت نوع دوم است نه واقعیت نوع اول. جهان اندیشمندان اجتماعی یک جهان اجتماعی است که از طریق مشارکت حاصل شده است. (Gill, 1993: 21)

مکتب انگلیسی

اندیشمندان مکتب انگلیسی رویکردی تفسیری نسبت به روابط بین‌الملل دارند و به "علم باوری"^۳ در روابط بین‌الملل بدگمان هستند و ترجیح می‌دهند که از روش‌های مرتبط با بررسی‌های تاریخی، حقوقی و دیپلماتیک بهره ببرند. (بلامی، ۱۳۹۳: ۱۸۹) بوزان^۴ معتقد است که نظریه مکتب انگلیسی در قالب ایتی و نظریه هنجاری نمی‌تواند با مبانی نظریه پوزیتیویستی که مبتنی بر فرضیات قابل آزمون با ماهیت علت و معلولی است همخوانی داشته باشد و نظریه در مکتب انگلیسی بیشتر به تقریر اروپایی آن یعنی سازمان‌دهی سیستماتیک یک عرصه و ایجاد مجموعه‌ای منسجم از مقولات اشاره دارد.

1. second-order reality
2. First-order reality
3. Scientism
4. Barry Buzan

(بوزان، ۱۳۸۸: ۴۰) بول اِرهیافت وایت آدر مطالعات بین‌المللی را بر اساس تمایزی که او بین عوامل مکانیکی و عوامل هنجاری قائل است، توصیف می‌کند. در قالب عوامل مکانیکی تبیین به‌واسطه عواملی که خارج از خودانگاره‌های بازیگران وجود دارند انجام می‌شود که این نوع تبیین نگرش‌های خود اندیشی را کنار می‌گذارد. اما وایت برخلاف این نوع نگاه نسبت به دولت‌ها - سیستم‌ها که صرفاً آن‌ها را بر اساس مؤلفه‌های مکانیکی مانند تعداد دولت‌ها در سیستم، اندازه نسبی آن‌ها، نوع پیکربندی سیاسی که در آن قرار دارند مورد مطالعه قرار می‌دهد، بر مؤلفه‌های هنجاری و ارزشی که بر سیستم تأثیرگذار است تأکید می‌ورزد. (Navari, 2009: 39) این نوع نگاه مستلزم این است که مکتب انگلیسی نگرشی فراتر از مباحث علی پوزیتیویستی را ارائه داده و جنبه هنجاری و مشاهده ناپذیر روابط علی را نیز مورد توجه قرار دهد. پیروان مکتب انگلیسی به‌منظور ارائه این نگرش متفاوت از تبیین علی، اغلب به این جمله هدلی بال تمسک می‌جویند که: "نهادها و قواعد بخشی از علت فاعلی نظم بین‌المللی محسوب می‌شوند و آن‌ها از جمله شرایط لازم و کافی ایجاد آن محسوب می‌گردند." (Bull, 1977: 71) کارنلیا ناواری برداشتی را از این سخن بال ارائه داده است که ضمن پذیرش روابط علی، مفهوم آن را متفاوت از تبیین‌های علی پوزیتیویستی در نظر می‌گیرد. او معتقد است که توجه به جامعه بین‌المللی باعث شده است که مکتب انگلیسی نسبت به تبیین‌های علی شک و تردید نشان دهد چراکه جامعه بین‌المللی بر اساس تعاملات آگاهانه ایجاد می‌شود اما گزاره‌های علی مربوط به چیزهایی است که قطع نظر از آگاهی و نیت مندی اتفاق می‌افتد. در واقع ماهیت نیت مندی تاریخی اساس تحقیقات مکتب انگلیسی نسبت به وجود، ثبات و بقای جامعه بین‌المللی را تشکیل می‌دهد که منجر می‌شود تبیین‌های علی از نظرگاه آن‌ها دور افتد؛ اما ناواری تأکید می‌کند که باین حال باید توجه داشت که تئوری پردازی‌های مکتب انگلیسی در تناقض کامل با تئوری پردازی‌های علی نیست و فهم‌ها و ادراکات نهادینه‌شده‌ای که مورد توجه اندیشمندان این مکتب است می‌تواند

1. Hedley Bull
2. Martin Wight
3. self-conceptions
4. self-reflective
5. Cornelia Navari

شرایطی را فراهم کند که بازیگران را به یک مسیر خاص هدایت کند. زمانی که اهداف اصلی همزیستی اجتماعی مورد حمایت قرار بگیرند انتظارات پایداری را در مورد رفتارهای آینده ایجاد می‌کند که نتیجه آن ایجاد قوانین مربوط به پیش‌بینی رفتارهای آینده است. این قواعد بازی می‌توانند به الگوهای رفتاری منجر شوند که تأثیرات مستقلی دارند. قواعد بازی همچنین می‌تواند زمینه تبیین را تغییر داده و تبیین نیت مند را به تبیین علی تبدیل کنند. ادراکات نهاده شده که دارای خواص علی هستند می‌توانند به‌عنوان ساختارهای نرم شناخته شوند که بر رفتار تأثیر می‌گذارند. آن‌ها دارای تأثیر علی هستند چراکه به‌اندازه کافی در بافت فرهنگی جای گرفته‌اند و انتخاب‌های فردی نمی‌توانند تأثیر چندانی بر آن‌ها داشته باشند. (Navari, 2009: 48-51) تیم دان نیز نگاه متفاوت مکتب انگلیسی به مسئله علیت و تبیین علی را با اتکا به نگرش بال مورد توجه قرار می‌دهد. او معتقد است که از منظر بول یک واقعیت اجتماعی وجود دارد که از ساختارهای غیر قابل مشاهده تشکیل شده که در عین حال بازیگران را مقید کرده و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. لذا وظیفه تئوریک در این رابطه این است که نشان دهیم چگونه ویژگی‌های جامعه بین‌المللی مثل قواعد حقوقی، کنش‌های مشخصی را ممکن می‌سازد. این نگرش مستلزم در نظر گرفتن این موضع علی است که ساختارهای اجتماعی واقعاً موجود چگونه عمل می‌کنند. (Dunne, 2005: 70-71) باین وجود دان نیز به‌منظور تأکید بر نگاه متفاوت بول نسبت به نقش علی نهادها بیان می‌دارد که متغیر وابسته یعنی نظم با متغیر مستقل یعنی نهادها و قواعد در هم پیچیده‌اند و متغیر وابسته متغیر مستقل را نیز در برمی‌گیرد و در واقع همان قواعد و نهادهایی که دلیل ایجاد نظم هستند از سویی خودشان بخشی از آگاهی مشترکی هستند که کنش‌های اجتماعی را برانگیخته و آن‌ها را قابل فهم می‌سازند. (Dunne, 2011: 14) نگرش دان بیانگر اهمیت و نقش مؤلفه‌های مشاهده ناپذیرِ انگاره‌ای در مبحث علیت است.

ضد اثبات‌گرایی (پست‌مدرنیسم)

پست‌مدرنیسم موضع کاملاً مخالف را نسبت به تبیین‌های علی در روابط بین‌الملل اتخاذ نموده و وجود روابط علی را در جهان اجتماعی به چالش می‌کشد. با توجه به این‌که پست‌مدرنیسم واقعیت بین‌المللی را به‌طور کامل ذهنی و زبانی می‌داند و به هیچ واقعیتی خارج از گفتمان اعتقاد ندارد لذا وجود روابط علی را نمی‌پذیرد و تبیین‌های علی را مربوط به دیدگاهی می‌داند که نگاه غیر انگاره‌ای و مکانیکی به واقعیت اجتماعی دارد. ریچارد دوتاکی^۱ معتقد است که تأکید پست‌مدرن‌ها بر واقعیت، مبتنی بر آن چیزی است که کمبل آن را "روایت سازی از واقعیت"^۲ خوانده است و براین اساس واقعیت از معنا، تفسیر، تعبیر و روایت‌های ما جدا نیست و واقعیت در قالب تفاسیر متعددی که ما در جامعه ایجاد کرده‌ایم تولید می‌شود. (Devetak, 2007: 71) در در بیان^۳ و شاپیرو^۴ نیز بیان می‌دارند که تحلیل پساساختارگرایان یک چالش رادیکال را نسبت به جدایی ارزش/واقعیت^۵ و همچنین مفهوم واقع بودگی^۶ ارائه می‌دهد و معتقد است که این مفهوم واقع بودگی بیشتر برساخته‌ای فرهنگی و قراردادی است تا این‌که بر ماهیت و سرشت خاصی بنا شده باشد. همچنین آن‌ها تأکید می‌کنند که کارکرد خاص زبانی به پساساختارگرایان اجازه می‌دهد تا آن سنت‌هایی که یک ظاهر متقاعدکننده‌ای از واقعیت^۷ را بنا می‌کنند فاش سازند و از این منظر آنچه واقعیت‌های علمی نامیده می‌شود نیز صرفاً در قالب گفتمان و به عنوان رژیم‌های حقیقت شناخته می‌شود. (Derian, J. Shapiro, 1989: xiv) بنابراین بازنمایی‌ها، گفتمان‌ها و عملکردها در تئوری پردازی‌های پساساختارگرایانه بیشتر به مسئله تکوین مربوط می‌شوند تا علت چرا که از نظر آن‌ها گفتمان‌ها مبتنی بر نیروهای ایده‌ای هستند درحالی‌که علت مربوط به جنبه‌های مادی است و جهان اجتماعی از طریق مؤلفه‌های اجتناب‌ناپذیر مکانیکی توصیف نمی‌شود. جنی ادکینز^۹ در این زمینه استدلال می‌کند که چالش پساساختارگرایی معانی

1. Richard Devetak
2. Narrativisation of reality
3. James Der Derian
4. Michael J. Shapiro
5. fact/value
6. facticity
7. Fact
8. Representation
9. Jenny Edkins

بنیادینی را نسبت به دعاوی دانش مربوط به بحث علت در بر داشته است چراکه از منظر پساساختارگرایان همه قرائت‌های عینی از تاریخ توسط زمان حال اشباع شده است. از نظر او ایده روابط علت و معلولی غیرقابل دفاع هستند و ما نمی‌توانیم وجود خارجی و واقعی را برای علت و معلول در نظر بگیریم و این قضایا اساساً در یک حوزه گفتمانی قرار داشته و با روابط قدرت ارتباط دارند. کمبل^۱ نیز بیان می‌دارد که توصیفات علی گمراه‌کننده و خطرناک هستند و هدف از تئوری پردازی پساساختارگرایانه او بیان تبیین‌های علی نیست. او استدلال می‌کند که مخالف فهرست بندی، محاسبه و تعیین علل‌های عینی و واقعی است و در عوض تئوری پساساختارگرایانه او بیشتر به بررسی عواقب سیاسی ناشی از انتخاب یک جنبه و وجه از بازنمایی نسبت به دیگر بازنمایی‌ها می‌پردازد. (Kurki, 2008: 131-132) از نظر کمبل رهیافت پساساختارگرایی برخلاف ادعای واقع‌گرایی معرفتی معتقد است که از آنجایی که فهم مستلزم ترسیم ناشناخته‌ها در شرایط مأنوس و شناخته‌شده است لذا تفسیر اجتناب‌ناپذیر است و لذا هیچ‌چیزی خارج از گفتمان وجود ندارد. (Campbell, 2013: 238-243) آنتونی برک آدر رابطه با رد شناخت عینی و قاعده‌مند روابط بین‌الملل توسط پست‌مدرنیسم تصدیق می‌نماید که پساساختارگرایان این مسئله که سیاست مبتنی بر قواعد عینی است و یا این که "تحلیل قانونمند"^۳ می‌تواند بر یک توهم جوهر گرایانه مثل ماهیت بشر استوار باشد را رد می‌کنند. (Burke, 2008: 362)

نتیجه‌گیری

حوزه نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل شاهد دیدگاه‌های متفاوت و متعارضی پیرامون مسئله علیت و چیستی و چگونگی آن بوده است و مکاتب نظری این رشته با استدلال‌های مختلفی به بررسی امکان یا عدم امکان تبیین علمی سیاست بین‌الملل پرداخته‌اند. تنها ادعای قاطعی که می‌توان در این رابطه داشت این است که هیچ اتفاق نظری پیرامون این مسئله در حوزه روابط بین‌الملل حاصل نگردیده و دامنه تکرر و تنوع آرا در این رابطه

-
1. David Campbell
 2. Athony Burke
 3. Law-like analysis

همچنان در حال گسترش است. به همان قوتی که اثبات‌گرایان تبیین علمی و علی رشته روابط بین‌الملل را مهم‌ترین وظیفه نظریه می‌دانند، مخالفین رادیکال و میانه بر ضرورت توجه نظریه‌پردازان به جنبه‌های تکوینی و تفسیری هستی بین‌المللی تأکید می‌ورزند. ما در این مقاله سعی کردیم که دیدگاه‌های مختلفی که در رابطه با بحث علیت در سنت نظریه‌پردازی رشته روابط بین‌الملل شکل گرفته است را به تصویر بکشیم و نشان دهیم که این نگرش‌های مختلف بر چه مبانی فلسفی و فرانظری ای استوار هستند. به‌منظور ارائه چنین تصویری ما ابتدا ۳ طیف کلان از مباحث فرانظری را که در حوزه فلسفه علم و یا فلسفه علوم اجتماعی مطرح شده است را نشان دادیم و پس از آن به بررسی استدلال نظریه‌های مختلف در قالب آن پرداختیم. یافته‌های پژوهش بیانگر وجود ۳ طیف فکری کلان نسبت به مسئله علیت است. نئورئالیسم و به تبع آن نئولیبرالیسم و رئالیسم نئوکلاسیک در قالب یک تفکر علمی بر ضرورت به‌کارگیری تبیین علی در رشته روابط بین‌الملل تأکید داشته‌اند و کشف مکانیسم‌های علی را مهم‌ترین وظیفه نظریه‌پردازی در این رشته دانسته‌اند. رویکردهای میانه که تلاش داشته‌اند تا ضمن رفع نواقص اثبات‌گرایی از نسبی‌گرایی و تفسیرگرایی رادیکال نیز پرهیز کنند نوع خاصی از علیت را مورد توجه قرار داده‌اند که لایه‌های نا آشکار هستی را نیز واجد اهمیت می‌سازد و زمینه را برای نوعی تبیین انگاره‌ای فراهم می‌سازد. سازه‌انگاران، نظریه‌پردازان مکتب انگلیسی و همچنین متفکرین نظریه انتقادی اغلب چنین مسیری را در نظریه‌پردازی خود دنبال کرده‌اند. در نهایت پس‌اساختارگرایان موضعی یکسره ضد علمی اتخاذ نموده‌اند و هیچ‌گونه روابط علی را نمی‌پذیرند و تبیین علی را خصوصیت اصلی دانش بشری نمی‌دانند.

منابع

- بلامی، الکس (۱۳۹۳). "مکتب انگلیسی"، در مارتین گریفیتس، نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست و یکم، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی
- بوزان، بری (۱۳۸۸). *از جامعه بین‌المللی تا جامعه جهانی*، ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۳). *فرانزویه اسلامی روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی (ره)
- نای. جوزف (۱۳۸۷). *قدرت در عصر اطلاعات: از واقع‌گرایی تا جهانی‌شدن*، ترجمه سعید میرترابی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- Bull, Hedley (1977). **The Anarchical Society: A Study of Order in World Politics**, New York: Palgrave Macmillan
- Burke, Anthony (2007). "Postmodernism", in Christian Reus-Smit and Duncan Snidal, **The Oxford Handbook Of International Relations**, New York: Oxford University Press
- Campbell, David (2013). "Poststructuralism", in Tim Dunne, Milja Kurki, Steve Smith, **International Relations Theories: Discipline and Diversity**, Oxford: Oxford University Press
- Chernoff, Fred (2007). **Theory and metatheory in international relations: concepts and contending accounts**, New York: Palgrave Macmillan
- Der Derian, James. J. Shapiro, Michael (1989). **International/Intertextual Relations: Postmodern Readings of World Politics**, New York: Lexington Books
- Devetak, Richard (2007). "Theories, practices and postmodernism in international relations", **Cambridge Review of International Affairs**, Vol. 12, No. 2, pp. 61-76
- Dunne, Tim (2005). **The New Agenda**, in Alex J. Bellamy, **International Society and its Critics**, Oxford: Oxford University Press
- Dunne, Tim (2011). "The English School", in Robert E. Goodin, **The Oxford Handbook of Political Science**, Oxford: OUP Oxford
- Gill, Stephen (1993). "Epistemology, ontology, and the Italian School", in Stephen Gill, **Gramsci, Historical Materialism and International Relations**, New York: Cambridge University Press

۱۲۰

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره نهم، شماره

اول، شماره پیاپی

سی و یکم

بهار ۱۳۹۸

- J. Mearsheimer, John M. Walt, Stephen (2013). "Leaving theory behind: Why simplistic hypothesis testing is bad for International Relations", **European Journal of International Relations**, Vol. 19, No. 3, pp. 427-457
- Jackson, Robert. Sørensen, George (2013). **Introduction to International Relations: Theories and Approaches**, Oxford: Oxford University Press
- Jeffrey T. Checkel (1998). "The Constructive Turn in International Relations Theory". *World Politics*, Volume. 50, Issue. 02, pp. 324 - 348
- Kahler, Miles (1998). "Rationality in International Relations", **International Organization**, Vol. 52, No. 4, pp. 919-941
- Keohane, Robert O (2011). "Neoliberal institutionalism", in Christopher W. Hughes and Lai Yew Meng, **Security Studies**, New York: Routledge
- Klotz, Audie. Lynch, Cecelia (2007). **Strategies for research in constructivist international relations**, New York: M.E. Sharpe, Inc.
- Kurki, Milja (2008). **Causation in International Relations**, Cambridge: Cambridge University Press
- Mooney Marini, Margaret. Singer, Burton (1988). "Causality in the Social Sciences", **Sociological Methodology**, Vol. 18, pp. 347-409
- Waltz, Kenneth (1990). "Realist Thought and Neorealist Theory", **Journal of International Affairs**, Vol. 44, No. 1, pp. 21-37
- Navari, Cornelia (2009). "What the Classical English School was Trying to Explain, and Why its Members Were not Interested in Causal Explanation", in Cornelia Navari, **Theorising international society: English school methods**, New York: Palgrave Macmillan
- Neuber, Matthias (2014). "Is Logical Empiricism Compatible with Scientific Realism?", in Maria Carla Galavotti Elisabeth Nemeth Friedrich Stadler, **European Philosophy of Science – Philosophy of Science in Europe and the Viennese Heritage**, New York: Springer International Publishing
- R. Paul, Viotti. V. Kauppi, Mark (2012). **International relations theory**, London, Pearson Education
- R.C. Humphreys, Adam (2016). "Introduction: problems of causation in world Politics", **Journal of International Relations and Development advance online publication**, Volume 20, Issue 4, pp. 1-26
- Ripsman, Norrin M. Taliaferro, Jeffrey W. Lobell, Steven (2016). **Neoclassical realist theory of international politics**, New York: Oxford University Press

- Wendt, Alexander (1987). "The Agent-Structure Problem in International Relations Theory", **International Organization**, Vol. 41, No. 3, pp. 335-370
- Wight, Colin (2002). "Philosophy of Social Science and International Relations", in Walter Carlsnaes, at Thomas Risse and Beth A. Simmons, **Handbook of International Relations**, London: SAGE Publications